

#### سبک تعالی

واگویه کسبه‌هایی که از خوبان روزگار خویش بودند

## من از دیار حبیبم غریب افتادم

مگر نمی‌گویند کاسب حبیب خداست؟ اما روح بعضی از آن حبیبان این روزها زمزمه می‌کند که: «من از دیار حبیبیم، غریب افتادم…»

اما هنوز هم به حال یک عده غیطمه می‌خوریم. آنها که خاک را به‌نظر کمی‌با کردند و سالیان سال نقشی ماندگار بر سینه‌هم عالم گذاشتند. هم آنها که در کار و کوشش خویش بارها و بارها خدا را حس کردند، و قبل‌تر از اینها که مدشده باشد: «این مکان با دوربین مدارسته کنترل می‌شود» عالم برایشان محضر خدا بود. آری رجبعلی خیصاط را می‌گوییم، حاج عباس قدکچی، حاج مرشد چلویی، اسماعیل سورچی و همه کسانی که دنبال برکت

چرا حجره حقیر و کوچک حاج عباس قدکچی پررونق‌تر از مغازه‌های لوکس امروز بود؟

# جای خالی انصاف در ویتترین‌های پرزرق و برق

#### سبک‌معیشت



■ مجید محمد

سال‌ها پیش، بازار تهران، یکی از کوچه‌های کم‌تردد، تیمچه حاج‌الدوله، چهارسوی اول، کوچه دوم، دست‌چپ، انتهای یک دالان یا به قول قدیمی‌ها هشتی. جایی کاملاً کور و کم‌تردد، یک حجره حقیر و کوچک با روشنایی بی‌کلامپ ۱۰۰، بدون زرق و برق، با قفسه‌های آهنی سخت، می‌شود تِجارِ نخانهِ حاج عباس قدکچی و اتفاقاً پررونق‌ترین کار. (قدک یک چیزی شبیه اپل بود برای پوشش مردان و بهتر قرار گیری لباس در شانسه‌هایشان که بعدها خانم‌ها در مانتو برای سرشانه‌هایشان استفاده می‌کردند.)

■ از معیشت دشوار دیروز تا خریدهای آسان

امروز

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین موضوعات در اقتصاد هر کشور، بخش مهم داد و ستد، خرید و فروش و معاملات است، که برای رفح نیازهای انسان انجام می‌شود. پیامبر امروز حوزه کسب و کار یکی از مؤثرترین چیزهایی که به رونق بازار اقتصادی کمک می‌کند نیازسنجی است و این مهم زمانی دست‌یافتنی است که از متن مردم و مسائل معیشتی آنان باخبر باشیم. در بی‌نیازسنجی مردم و برآورده کردن نیاز آنان، باید پیرو فرآگرد ارتباطی، یک روابط مؤثر و ارتباط خوب میان سطوح مختلف اقتصادی و عموم مردم نیز برقرار کرد.

این در حالی است که در جامعه اسلامی ما خوشبختانه الگوهای مناسب و مکاتب ارزشی مکاسب وجود داشته و به تدریس و پرورش نیز پرداخته می‌شود. امروزه مکانیزه شدن زندگی‌ها کار بشر را راحت کرده است. در گذشته انسان مشقت بسیار زیادی را تحمل می‌کرد تا کندم بکارد، درو کند، آرد کند، نان درست کند و سر سفره خویش نوش جان کند، و همیشه افرادی به منظور تأمین همین نیازهایی که امروز به‌سادگی قابل دسترسی است، چه اوقاتی را به‌سادگی از دست می‌دادند. دیگر وقتی برای علم و آموزه‌های مختلف نبود و اگر کسی با آن همه مشغله در زندگی سواد هم داشت هنری بود شگفت‌آور.

رشد و مدنیت حاکم بر جوامع و پیشرفت و تمدن حاصل از آن، در شروع نه تنها بد نبود و نیست که بسیار هم مفید بوده و هست. اما همیشه آسیب‌های اجتماعی، مشکلات، ناهنجاری‌های رفتاری، بالاخره یک جایی گریبان هر کار را خواهد گرفت. گاهی اوقات مردم با دیدن برخی مسائل حاضر هستند باز گشت به زندگی سنتی را بپذیرند اما به بازار برای خرید نروند!

بهداشت روانی، رفتار مناسب، پاک‌دستی، حقوق شهروندی و بسیاری از چیزها که فقدان آن یک جامعه را تهدید می‌کند، می‌تواند در یک فضیلت اخلاقی جمع و خلاصه شود و آن چیزی نیست جز «داشتن تقوی».

آری تقوی، یعنی خدابرسی همراه با انسان‌مداری، اخلاقی محاسبات درست بر اساس رعایت حلال و حرام، رضایت مشتری و فروشنده، حق‌الناس و غیره.

در بحث ارتباط مؤثر و رعایت اصول متقاعدسازی، انسان همواره دچار درگیری‌های ذهنی است تا چگونه طرف مقابل خویش را قانع کند و هنگامی که این اصول به‌درستی رعایت نشود بدیهی است جدال و مشاجره اتفاق خواهد افتاد.

پیام‌دهندگان اقتصادی در بازار و کوی و برزن با ویتترین

حالا مقایسه کنید با این روزها که مغازه‌ها و گروه‌های مختلف صنفی و کسب و کار همه‌جوره در دید مردم هستند. کارت ویزیت، سایت، انواع حضور فعال و خیلی فعال در فضای تابلو و محل و عنوان تجارت و انواع و اقسام مختلف تبلیغات کاری تا پشت پلک ما آمده‌اند. کافی است چشم باز کنی، تمام مشاغل در برابرت عرض اندام می‌کنند و در حال رقابت هستند. اما هنوز به انگشت پای حاج عباس قدکچی هم نرسیده‌اند. به‌راستی چرا؟! حاج عباس قدکچی دکانش تابلو و پلاک هم نداشت. جنس قابل ویت‌رینی هم نداشت، رقص نور و لیزر و موزیک هم نداشت. پیپ

مغازه و دفاتر خویش به پیام دادن پرداخته و گیرندگان که نیاز خود را می‌خواهند برطرف کنند به سمت آنها حرکت می‌کنند.

■ چرا در گذشته کسب و کارها رونق بیشتری داشت؟

برجستگی و ویژگی یک کسب و کار خوب صرف فروش خوب با تبلیغات و ویت‌رین آنچنانی نیست. فضایل اخلاقی صاحب آن بنگاه اقتصادی است که می‌تواند یک کار را به حداعلا برساند.

انصاف در امور مهم است. فرض کنید دو مغازه‌دار هر دو در یک تاریخ یک پیکر پراهن را خریده‌اند که بسیار جنس خوبی دارد، شروع به فروختن آن کرده‌اند و برای هر کدام از آنها چند عدد باقی مانده است. یکی از آنها به علت تغییر قیمت و رویه بازار و دلار و تورم یکباره قیمت را تغییر می‌دهد و دیگری جانب انصاف را رعایت کرده و می‌گوید: «هر وقت گران خریدم قیمت را تغییر می‌دهم». وقت کنید، تغییر قیمت‌ها کار پشیمانی نیست. جنس قابل قیمت قبل را دارد خدا را خوش نمی‌آید گران کند. مشاهده کردید؟ هر دو بهترین جنس را می‌فروختند.

اگر از دید مدرنیته شدن نگاه کنیم یک فضای کاملاً همه چی تمام را داریم؛ چراکه اگر مدرنیته شدن را خوب بلد نیستیم اما خیلی خوب ادای آن را در همه بخش‌های زندگی درمی‌آوریم. حجره‌ها نامشان را به گالری و غیره دادند. کلیه تابلوهای مغازه‌ها با کلمات خارجی غلط

تحریر شده است. اجناس حتماً باید خارجی و بسیار گران باشد! اصلاً مد شده است هرچه گران‌تر بهتر! فروشندگان باید خوش تیپ باشند. نور مغازه‌ها باید خیلی کم باشد یا خیلی زیاد. همه چیز برای اهل کسب مهم است و

## د

**نهادهای اجتماعی از طریق کار کردهای مناسب و بهنجار خود می‌توانند به نهادینه‌سازی سرمایه‌های اجتماعی مدد رساننده و موجب پویایی فضای کسب و کار در جهت تعدیل نابرابری‌های اجتماعی، تحقق آرمان‌های زندگی فردی واجتماعی و در نهایت سلامت فرد و جامعه توأم باهم گردند**

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۸۴۷۱



## د

**کسی که با نام خدا مغازه‌اش را باز می‌کند، گران فروشی و احتسکار نمی‌کند، جانب‌انصاف را رعایت می‌کند، جنس فروخته شده را پس می‌گیرد، با مردم به‌درستی رفتار می‌کند، دروغ نمی‌گوید تا جنس تقلبی را جای فلان برند بفروشد، به خدا توکل می‌کند و روزی‌اش را از خدا می‌خواهد، از در آمد خود به نیازمندان کمک می‌کند، آیا چنین فردی کسب و کارش سوت و کور و بی‌رونق یا ورشکسته می‌شود؟**

هم نمی‌کشید. قهوه هم دم نمی‌کرد پوش همه جا را پر کند تا مردم خیال خام کنند. از منبریه تا سه‌راه سیروس، تا بهارستان و تا شوش و قبر آقا و مولوی و همه و همه وی را می‌شناختند و نیازی به تبلیغ هم نداشت. چیزی از او بود، و افسوس که این روزها او نبود. او کل بود و کارش جزئی از او بود، و افسوس که این روزها اینگونه نیست. به‌راستی چرا این روزها اینگونه نیست؟ چرا حجره حقیر و کوچک حاج عباس قدکچی پررونق‌تر از مغازه‌های لوکس امروز بود؟ شاید علتش جای خالی انصاف در ویت‌رین مغازه‌های پرزرق و برق باشد.

خیلی دقیق به این نکته‌ها می‌پردازند که خودشان جزء هستند و کارشان کل. درینغ از اینکه بدانند مرکز نقل رونق اقتصادی، خودشان خواهند بود. این روزها کسب و کارها دلایل عمده‌ای دارند برای اینکه توجیه کنند چرا کارشان ضعیف و بی‌رونق و رو به انحلال است. عده‌ای همیشه در حال پیدا کردن مقصر هستند و همیشه هم دولت مقصر است! عده‌ای می‌گویند مرز بسته است! عده‌ای قدرت خرید مردم را پنهان می‌کنند! عده‌ای می‌گویند تحریم هستیم! فلان تاجر دنبال بچرام و صحبت‌های ترمب و اخبارش است. جای بسی تأسف و تعجب است، اما ممکن است این دلیل مهم کاملاً چشمپوشی شده باشد: «انسانیت، تقوی و عمل صالح». کسی که با نام خدا مغازه‌اش را باز می‌کند، گران‌فروشی و کسب و کارش انصاف را رعایت می‌کند، جنس فروخته شده را پس می‌گیرد، با مردم به‌درستی رفتار می‌کند، مردم را ولی نعمت خود می‌داند، در همه حال خدا و رضایت خلق خدا برایش مهم است، دروغ نمی‌گوید تا جنس تقلبی را جای فلان برند بفروشد، به خدا توکل می‌کند و روزی‌اش را از خدا می‌خواهد، از درآمد خود به نیازمندان کمک هم می‌کند، آیا چنین فردی کسب و کارش سوت و کور و بی‌رونق یا ورشکسته می‌شود؟ ادامه بحث را به دیدگاه‌های کارشناسی در این زمینه می‌پردازیم. نظرات دکتر مهناز علیزاده جامعه‌شناس را در این زمینه بخوانید.

**ضرورت تقویت سرمایه‌های اجتماعی در روابط کسب و کار**
**دکتر مهناز علیزاده، جامعه‌شناس**

در حوزه کسب و کار سه نوع سرمایه وجود دارد که عبارت‌اند از: سرمایه اقتصادی، انسانی و اجتماعی. شکل بروز سرمایه‌های اجتماعی معمولاً در قالب ارزش‌های اجتماعی چون اعتماد، صداقت، همدلی، همبستگی، مسئولیت‌پذیری، فداکاری و... می‌باشد. سرمایه‌های اجتماعی در عین حال که از ملزومات بهرهوری سرمایه اقتصادی هستند، عرصه مناسبی را برای توسعه و شکوفایی سرمایه انسانی نیز فراهم می‌آورند. یکی از ویژگی‌های دنیای مدرن در ذات خود فردگرایی است که مدل‌ها و سبک‌های اقتصادی حاکم بر آن به این فردگرایی قوت بخشیده است. آنچه می‌تواند پیشروی این فردگرایی را به نفع مصلحت جامعه مورد کنترل قرار دهد، سرمایه‌های اجتماعی است. سرمایه اجتماعی از طریق ساماندهی روابط بین سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی در عین حال که به توسعه اقتصادی مدد می‌رساند، موجب بهرهوری و هدفمندی بیشتر سرمایه‌های انسانی نیز می‌گردد و در نهایت به حرکت جامعه در مسیر توسعه قیمتی کارش را ادامه‌دهد.

**بی‌مقدمه بی‌تعارف**

اندر روایت کسب حلال در این روزهای وانفسا

### هر چه کنی به خود کنی

■ **مجید محمد**

**کار به جاهای بار یک کشیده شده، آتقدر بار یک که از این راه تنگ نمی‌شود عبور کرد، کجای دنیا رسم است چوری سود کنی که پول اجاره مغازه و برق و شارژ و پاساژ شمارا مابدیهم؟ مگر نگفته‌اند سودی که صددرصد باشد، حرام است؟**

**و اما ادامه ماجرا از دشواری کسب حلال در این روزهای وانفسا...**

■ ■ ■

انگار قلب امری بدیهی در کار شده است و شاکله آن هم دروغ و خودسنجی و ریاست. این هم که در این دوره و زمانه اشکال ندارد خب! می‌ماند «هی وجدانی» که دیگر ناسزا نیست، مانند «اعتیاد» که جرم اجتماعی نیست! و در همه جای کوچه و بازار راحت می‌نشینند و می‌کشند، بی‌وجدانی هم یک بیماری است و فحش نیست! می‌گویم چرا نسان ناز که؟ می‌گویند آرد گرونه می‌گویم چرا خمیر رو کشش می‌دی؟ می‌گویند چونهام کوچیک‌تر شده! خب برادر گر دش کن بذار همین هم مردم نوش جان کنند، نه اینکه بریزن دورا می‌گویند مردم عقشون به چشمشونه هرچی بزرگ‌تر بهتر...

جدیدنا هم که سود ندارد تعمیرات، خدایمبارزد پدر تعویضات! تا می‌گویی برق ماشین اتصالی داره، از لامپ تاقیوز و باتری را باید تعویض کنی. تا می‌گویی چرخ‌گوشتم رو تیز کن گوشت رو نمی‌بره، می‌گویند از رزش ننداره گلویی کامل رو با پره و تیغه ببر بصره‌ست. می‌گویی لامپ خونه‌ام سوخته، بهت لوستر می‌دهند. خلاصه سر تان را درد نیآورم، دوره زمانه نوآوری است. خیلی هم خوب است! مگر بد است همه چیزمان نو شود؟...

پارچه برود زیر دوخت، دکمه بخورد، بیرون بیاید، اتو نبشود، پرود بازار تا برسد دست مشتری، یک چیزی شبیه اندازه ۱۰ دور، دور دنیا در ثانیه، قیمتش تغییر می‌کند! بعد می‌گویند مردم قدرت خرید ندارن. دقت کنید چوری هم قیمت‌گذاری می‌کنند انگار ماشین حساب مهندسی گرفتند دستشان تا درصد به‌دست بیاورند. سلوار خریده ۲۳ هزار تومان می‌فروشد ۱۶۸ هزار تومان. خب البته بنده خدا خرج دارد و باید ما کمک حال هم باشیم، بالاخره رقص نوری راه‌انداخته، لیزری راه‌انداخته توی چشممان. اینها همه هزینه دارد، ولی



خواهش میکنم، بله، عکاس خانم هم داریم...» ولی

بعد آقایان عکس‌ها را ویرایش می‌کنند! اما مضطبی بزرگ در امر تعمیر لوازم منزل در خانه خودتان: اولاً تا سلام کنی می‌گویند گارانتی شامل نمی‌شود. مجبوری بگویی باشد. می‌گویند هزینه ایاب ذهاب هم داریم. بگوییبد گفتیم؟ که ما! مسأله‌الله از آژانس گران‌تر است. بعد در حین عیب‌یابی می‌گویند یک لیوان آب می‌دهید! تا رویت را آن طرف کنی، سنسوری، برد فرمانی، چیزی را از جا‌دار آورده و می‌گویند ای بابا این خیلی کار دارد و می‌شود ۲۵۰ هزار تومان. بعد هم ناچار قبول می‌کنی و در پایان سیم‌ها و بردها را به هم وصل می‌کنند و ای پول آن‌شاه‌الله خرج دواذت نشود!

عده‌ای کلاهل فقولی و سرک کشیدن در زندگی‌ات هستند. عزیزان دلسوز ما در بنگاه املاک: چند نفری؟ همسر تون در قید حیات هستند؟ کار تون چیه؟ حالا برای چه مقاصدی این سوال‌ها را می‌پرسند بماند. مشاهده شده‌خانه اجاره داده‌اند بعد گارانتی هم کردند. بنگاهیه مدام رفته در خانه بنده خدا که چیزی لازم نداد؟! یا برداران تعمیر گوشی تلفن همسره: ابتدا چه گوشی‌تان سالم باشد، چه دارای هر گونه خرابی اول کلیه عکس‌ها و فیلم‌ها بک‌آپ گرفته می‌شود. خب دکترو تعمیر کار و استاد و همکلاسی و دوستان و آشتیان و در و همساده هم که این روزها محرم هستند! بعد چیزی دارند به نام تینر ده هزار به همه گوشی‌ها با سواک می‌کشند، بعد هم ۳۰ هزار تومان ناقلیل از شما دریافت می‌کنند!

اما حرف آخر... می‌دانم خیلی سخت است خوب بودن، اما همین که بد نباشیم آسان‌تر نیست؟ کلی می‌حادث و روایت داریم، حتی شعره که می‌فرمایند: «هرچه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی...»

با تربیت صحیح و حساسیت در به‌دست آوردن رزق حلال اثربخشی مهمی در جامعه و خانواده داشته باشیم. خوبی کن تا بد نیبنی. به امید یاد خدا در تمام دل‌ها.

## د

می‌گویم چسرا خمیر رو کشش مسی‌دی؟ می‌گویند چونهام کوچیک‌تر شده! خب برادر گر دش کن بذار همین هم مردم نوش جان کنند، نه اینکه بریزن دورا می‌گویند مردم عقشون به چشمشونه هرچی بزرگ‌تر بهتر...